

## مبارزات کنونی مردم ایران و نقش کمونیست‌ها

برای مبارزات کنونی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی (مبارزات کارگری، مبارزات زنان، مبارزات اقلیت‌های ملی، مبارزات اقشار میانی، مبارزات علیه ستمگری بر حیوانات یا علیه تخریب محیط‌زیست و غیره) و روند آتی رشد و تکامل آنها، بنظر من، بیشتر از همه دو دورنمای مختلف بدین شرح را میتوان تصور نمود: ۱- سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در آینده‌ای نسبتاً نزدیک مثلاً حداکثر تا ده یا پانزده سال دیگر؛ ۲- تغییر و تحولاتی بالنسبه اساسی و وسیع در خود رژیم که نتیجه آن ابقاء رژیم در شکلی اصلاح‌شده برای مدتی مثلاً چند یا چندین دهه دیگر میباشد. در حالت اول انقلاب ایران قاعداً یک نوع انقلاب دموکراتیک خواهد بود که منجر به حاکمیت دموکراسی بورژوازی و سکولاریسم و توأم با تحولاتی اقتصادی بنفع زحمتکشان (یعنی طبقه کارگر و لایه‌های پایینی اقشار اجتماعی میانی) خواهد شد. حالت سومی هم مبنی بر شکست انقلاب ولی احتمالاً متعاقب آن انجام تغییر و تحولات مذکور در حالت دوم نیز قابل تصور است و اما حالت چهارمی مبنی بر تداوم حاکمیت رژیم با وضع فعلی‌اش بدون تغییر و تحولات مزبور بنظر من بسیار بعید و وقوع‌ناپذیر میباشد. حالت دوم نیز، با وجودیکه رژیم در بحران اقتصادی عمیق و شدید و ظاهراً علاج‌ناپذیری بسر می‌برد و دچار بحران سیاسی و شکاف‌های عمیق درونی است، هنوز تحقق‌ناپذیر نیست. بنظر می‌آید که در حال حاضر تحقق حالت دوم بیشتر از همه منوط به موفقیت دولت روحانی، بعنوان نماینده اسلامی بورژوازی لیبرال در مقابل محافظه‌کاران و فرماندهان سپاه پیش از همه بعنوان نماینده اسلامی بورژوازی دولتی، در به‌کرسی‌نشاندن و پیشبرد اهداف و سیاست‌هایش میباشد. از آنجاکه کمونیست‌ها و پیشروان و فعالین انقلابی و آگاه کارگری خواستار انقلاب و سرنگونی کلیت رژیم بوده و برای آن فعالیت و مبارزه میکنند، در سطور ذیل تنها حالت اول را مورد توجه قرار میدهیم:

چنانچه اگر در ایران در آینده‌ای نزدیک و همانطور که گفته شد مثلاً حداکثر ظرف ده الی پانزده سال آتی انقلابی صورت‌گیرد، این انقلاب یک نوع انقلاب دموکراتیک خواهد بود و نمیتواند انقلاب سوسیالیستی یعنی تحول و انتقال به سوسیالیسم باشد. سطح آگاهی و تشکل سیاسی طبقه کارگر و توازن قواء طبقاتی در مقیاس مجموع جامعه چنان خواهد بود که انقلاب وقوع یابنده انقلابی از نوع انقلاب دموکراتیک خواهد شد. نیروهای چپ و کمونیستی تنها در رادیکال‌تر کردن این انقلاب و نتایج آن تأثیر گذار خواهند بود. گذشته از اینکه معلوم نیست کمونیست‌ها و کارگران ایران در حال حاضر چه مفهومی از «سوسیالیسم» دارند و برداشت و درک آنان از «سوسیالیسم» تا چه اندازه واقعاً مارکسیستی و صحیح انسانی (میتوان گفت یعنی منطبق با آنچه من در کتابم تحت عنوان «ملاحظات درباره مسئله سوسیالیسم» در این باره بیان داشته‌ام) میباشد و بنابراین از این لحاظ تا چه اندازه برای تحقق‌بخشیدن به سوسیالیسم آمادگی دارند. و گذشته از اینکه- بنظر من- میزان تکامل اقتصادی و اجتماعی کاپیتالیستی جامعه ایران در زمان حاضر هنوز آنقدر نیست که پیش‌شرط‌های مادی و اجتماعی لازم برای گذار به سوسیالیسم واقعاً فراهم شده باشد. و گذشته از اینکه امر بقاء سوسیالیسم بمفهوم واقعی و تکامل آن به کمونیسم در ایران و هر کشور جداگانه دیگری که در نظرگیریم همچنین منوط به وقوع بهنگام انقلاب سوسیالیستی و برپائی سوسیالیسم در سایر کشورها و در مقیاس جهانی است و چنین رویدادی در عین حال مستلزم وجود پرولتاریائی با خودآگاهی طبقاتی نسبتاً بالا و کمونیست‌ها و احزاب کمونیستی‌ای مجهز به نظریه‌ها و نظرات واقعاً مارکسیستی و تکامل یافته در عموم کشورهای جهان میباشد یعنی چیزی که امروزه وجود نداشته و - اگر تحقق یابد- تا آینده‌ای بیش‌و کم دور بوجود نخواهد آمد؛ و وقوع انقلاب فرضاً سوسیالیستی در ایران تنها وقتی میتواند به وقوع چنین انقلابی در سایر کشورها دامن‌بزند که در این کشورها زمینه فکری لازم در توده‌های کارگر و زحمتکش بوجود آمده باشد یعنی بسط و ارتقاء آگاهی طبقاتی طبقه کارگر بقدر کافی صورت گرفته و تشکل سیاسی آن تاحدودی انجام پذیرفته و یا سریعاً انجام پذیر باشد. و گذشته از اینکه در جامعه کنونی ایران یک روبنای سیاسی و حقوقی بیش‌و کم فئودالی و ماقبل سرمایه‌داری حاکم است که در براندازی آن نه تنها طبقه کارگر و سایر زحمتکشان بلکه بخش عمده سایر اقشار اجتماعی نیز ذینفع هستند و این امر به انقلاب ایران- چنانچه در آینده نسبتاً نزدیکی رخ دهد- خصلت

دموکراتیک می‌بخشد. این مسائل را باید واقعاً مورد توجه قرار داد و خوب درباره آنها اندیشید. اگر این مسائل را بطور درست و کافی مورد توجه و تعمق قرار دهیم و در عین حال هدف غائی و نهائی امان تحقق جامعه واحد جهانی واقعاً کمونیستی باشد، آنگاه خواهیم دید که مطرح کردن سوسیالیسم بعنوان هدف کنونی طبقه کارگر و کمونیست‌های ایران یا هر کشور مشابه و جداگانه دیگر اصلاً نابجا و خطا هم هست.

اینکه کمونیست‌ها آرمان غائی و نهائی‌اشان جامعه جهانی واقعاً کمونیستی است که برای حصول به آن بایستی در هر کشور از طریق انقلاب سوسیالیسم برقرار و متحقق گردد و غیره، بدین معنا نیست که آنان در هر زمان و در هر شرایطی در جوامع سرمایه‌داری بایستی بلاواسطه و مستقیماً برای انقلاب سوسیالیستی و تحقق سوسیالیسم مبارزه نمایند و چنین هدفی را دنبال کنند. هدف مشخص و مستقیم کمونیست‌ها- و البته دارای آرمان کمونیسم- در هر زمان و مرحله معین را امکانات و شرایط عینی و ذهنی مشخص و بلاواسطه متعین می‌سازد.

چنانچه در ایران در آینده‌ای نسبتاً نزدیک انقلابی صورت گیرد و در نتیجه رژیم متلاشی و سرنگون و یا بنحو دیگری از قدرت برکنار گردد، بنظر من، حکومت جدید پس از این انقلاب یا دگرگونی حکومتی کثرت‌گرا یعنی متشکل از گروهها و احزاب سیاسی مختلف خواهد بود و هر گروه یا حزب به نسبت جمعیت طرفدارش در قدرت سیاسی حاکم سهیم خواهد شد، و مجموع جریانها و نیروهای مدعی کمونیست-که البته حزب توده و اکثریت را شامل نمی‌شوند- حداکثر حمایت ده الی پانزده (و بسختی میتوان گفت الی بیست) در صد اهالی یعنی جمعیت ایران را با خود خواهند داشت. این ارقام البته حاکی از رشد بسیار زیاد پیوند و مقبولیت توده‌ای کمونیست‌ها نسبت به زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ خواهد بود که در آن میتوان گفت آنان- غیر از منطقه کردستان و شاید ترکمن صحرا- تنها حمایت و موافقت کمتر از یک درصد جمعیت را با خود داشتند، ولی بهر حال با کسب حمایت و توافقی نظر واقعی اکثریت حتی الامکان هرچه بالاتر مردم از سوی آنان- که برای انجام انقلاب سوسیالیستی و برپائی سوسیالیسم لازم است- هنوز فاصله بسیار زیادی دارد.

با وجود همه اینها، بدیهی است که کمونیست‌ها و پیشروان انقلابی طبقه کارگر باید حتی المقدور هم در این مبارزات مردم و بیشتر از همه در مبارزات کارگران شرکت کنند و فعالانه برای هر چه رادیکال تر کردن همه اینگونه مبارزات و تقویت و گسترش و ارتقاء سطح آنها کوشش نمایند؛ و هم در عین حال جهت پیشبرد کار ترویج و تبلیغ مستمر آگاهی‌های کمونیستی بمفهوم واقعی و تکامل یافته‌اشان بویژه و عمدتاً در میان توده‌های کارگر- بمثابه مرحله یا جزئی از فرایند تاریخی و طولانی مدت زمینه‌سازی فکری و سیاسی یا به بیان دیگر تدارک فکری و سیاسی لازم برای انجام انقلاب سوسیالیستی و برپائی سوسیالیسم- تلاش نمایند.

حمید پویا

۵ ژوئن ۲۰۱۴